

# بیرون غذا خوردن




 Espen Stranger-Johannessen

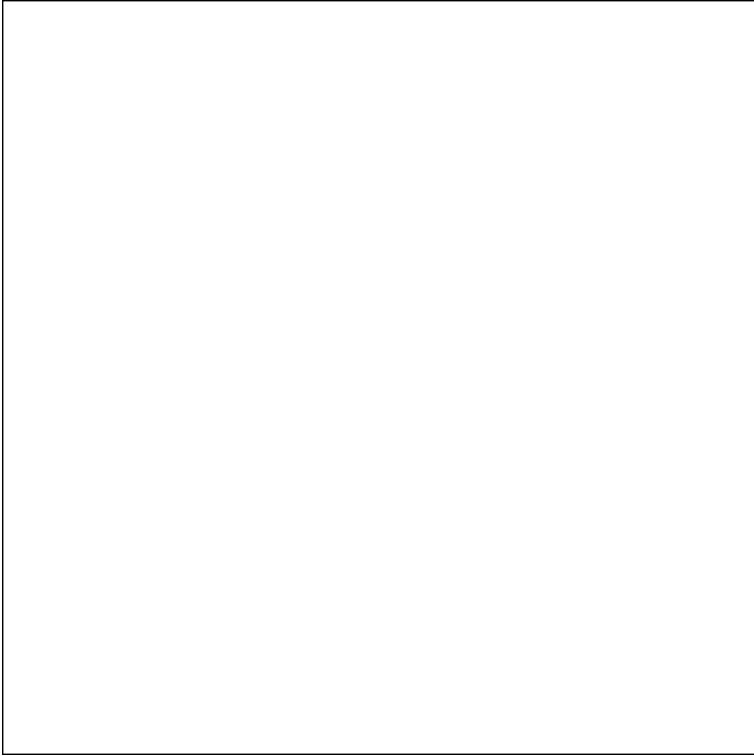
 Aakanee

 Sam Saf

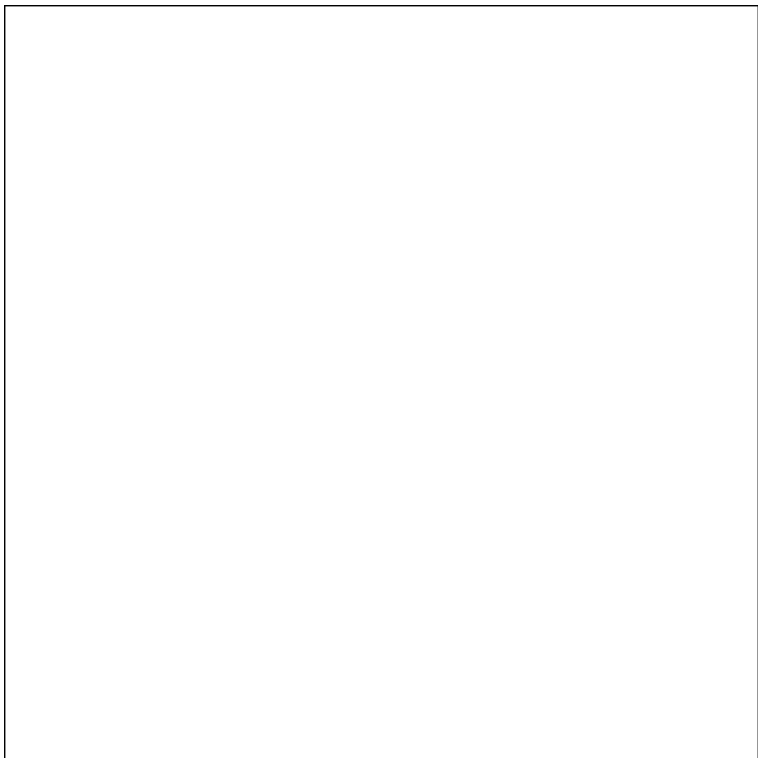
 2

 فارسی fa

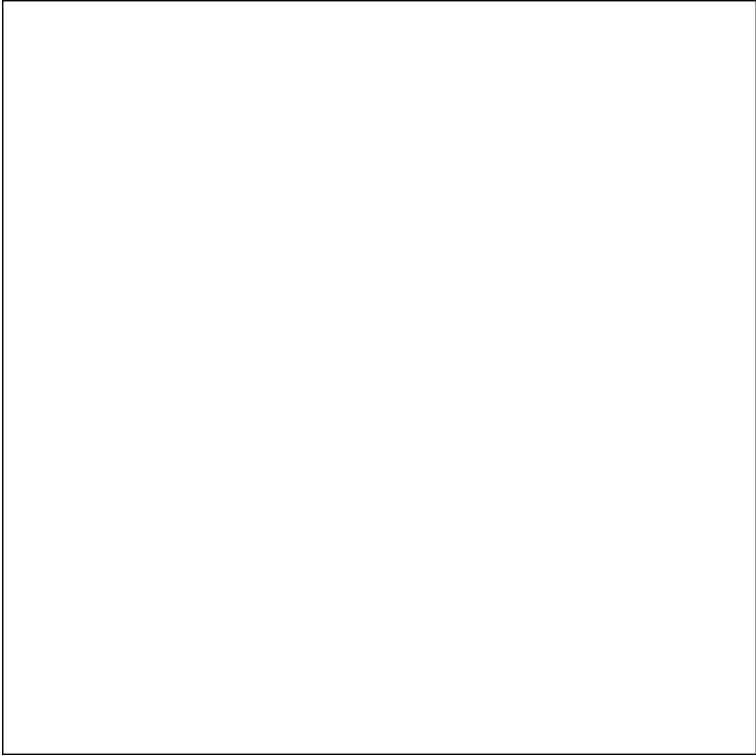
کیپ هوس خوردن نودل کرده.



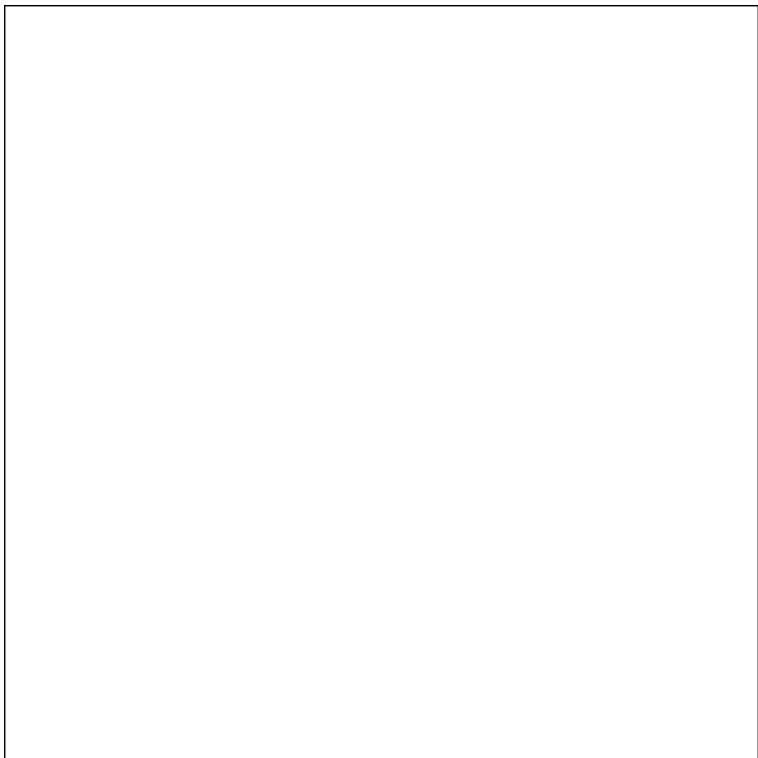
کیپ از دوستش میخواد که بهش ملحق بشه.



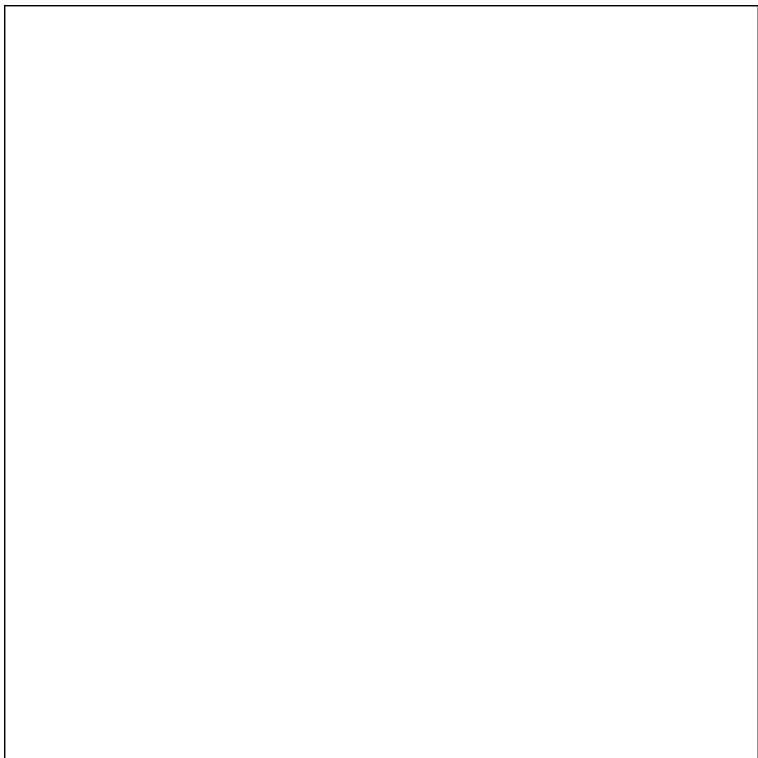
اونه دنجل جیی واسه غذا خوردن هستند.



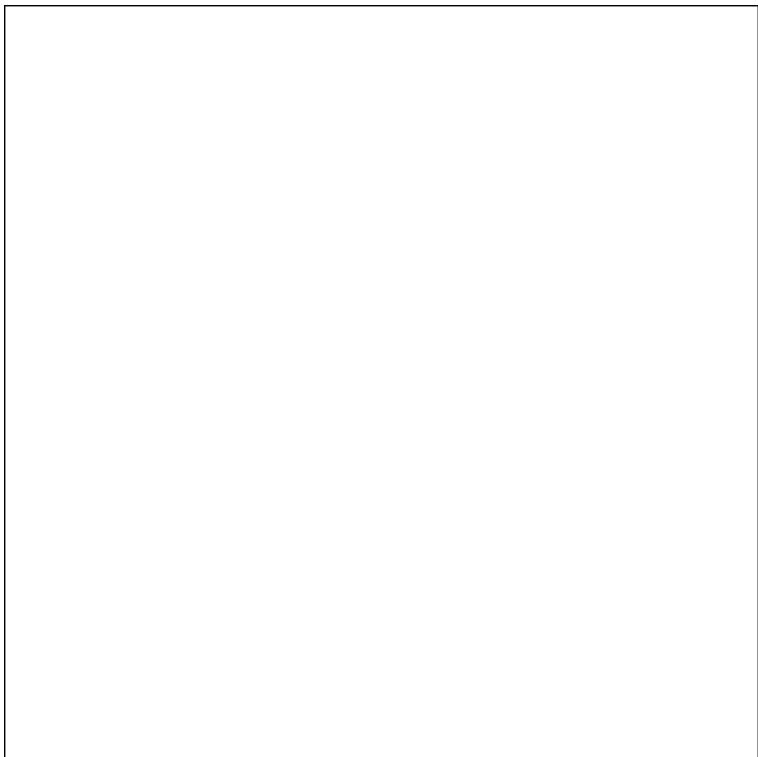
اونه جی رو پیدا میکنند که نودل میفروشه.



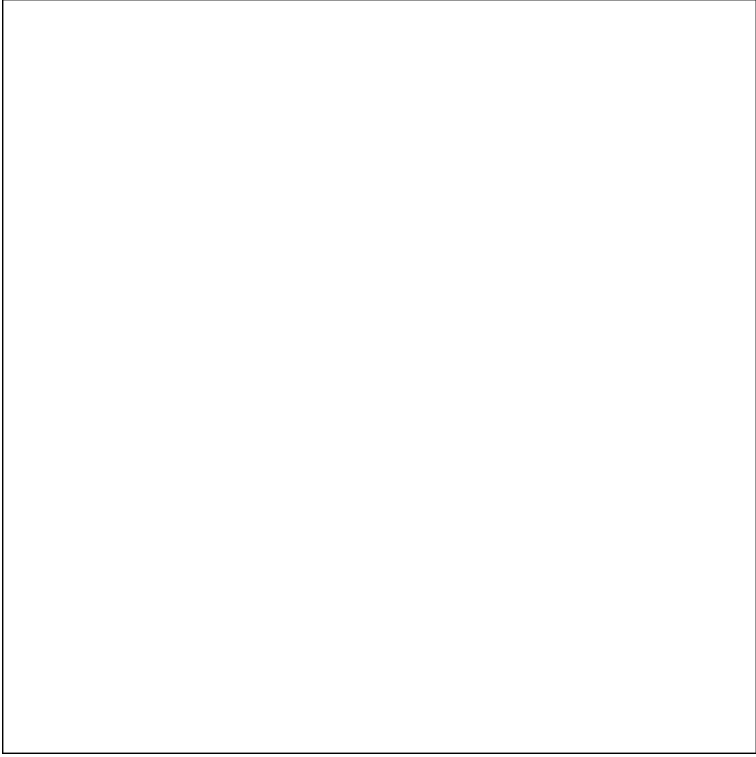
کیپ و دوستش یک میز خلی پیدا میکنند.



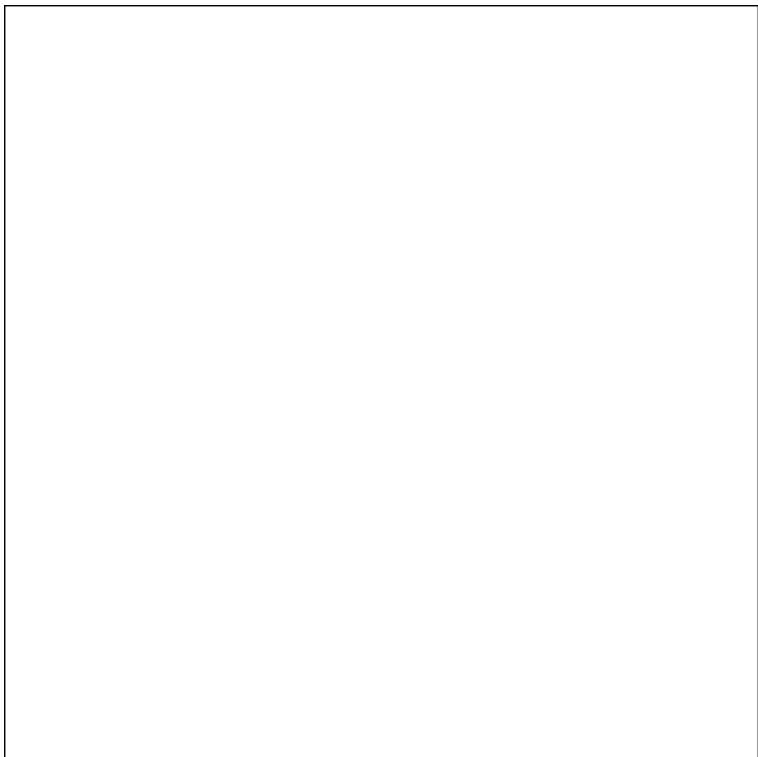
اونه ميشينن و گرسون رو صدا ميکنن.



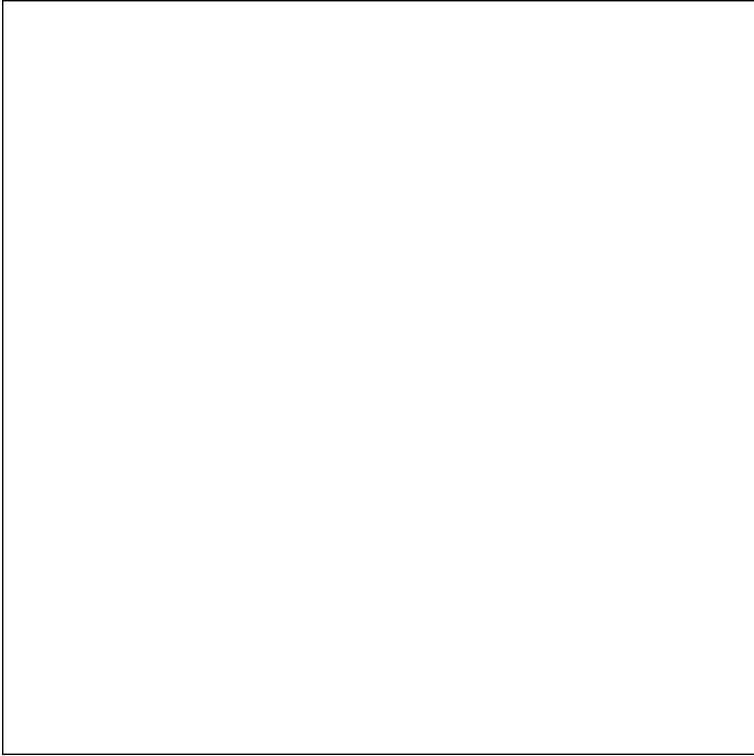
گرسون مچد. کيپ، نودل سفرش ميده.



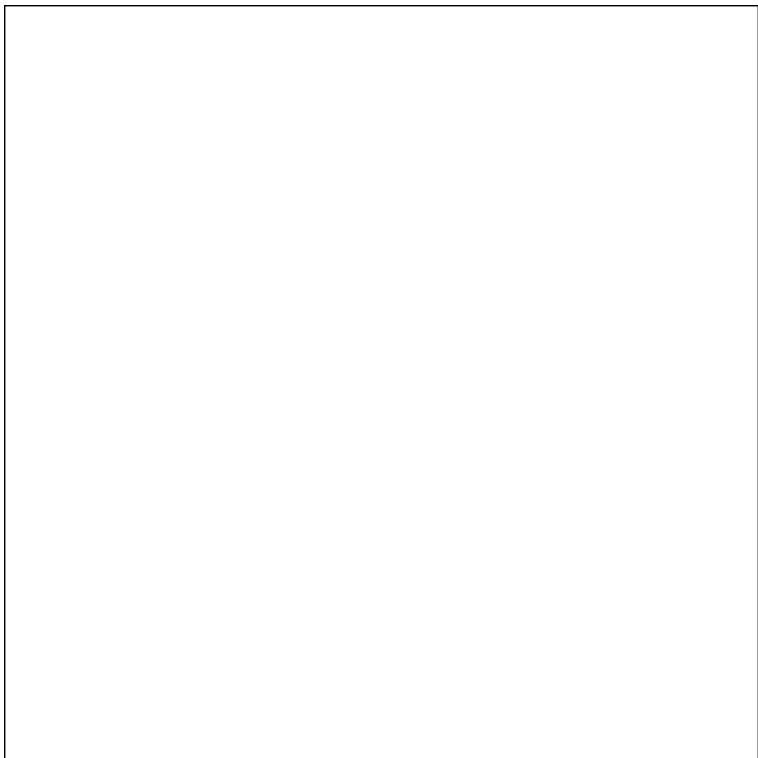
دوستش هم نودل سفارش میده.



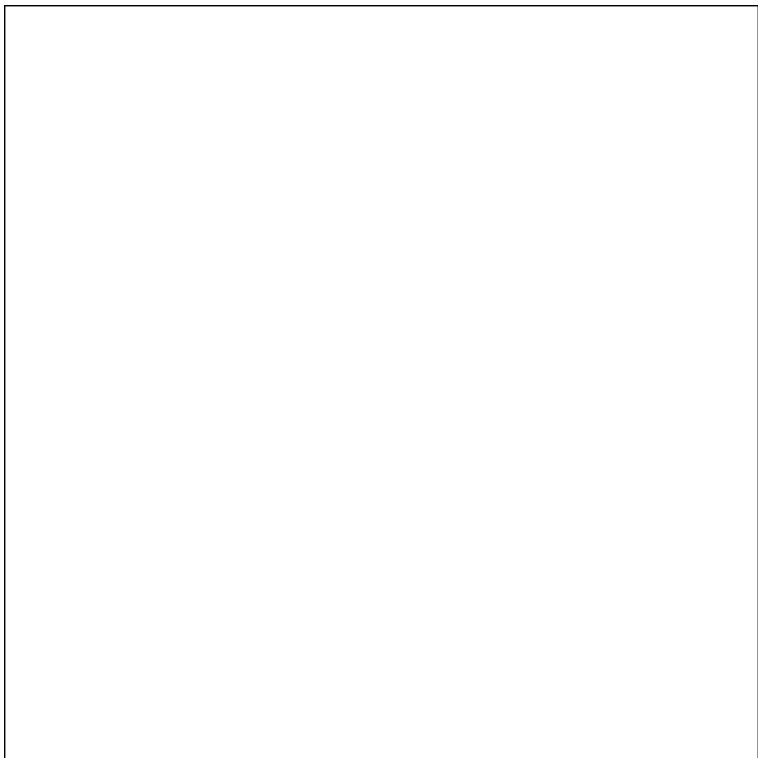
اونه، هر کدوم یک لیوان آب هم سقرش میدن.



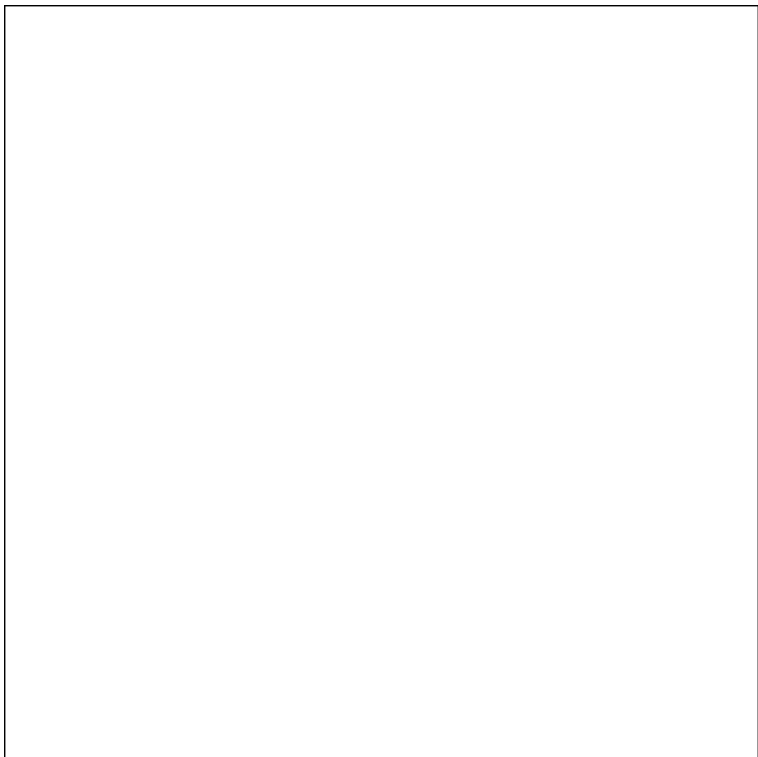
گرسون غذاھ رو مڇره.



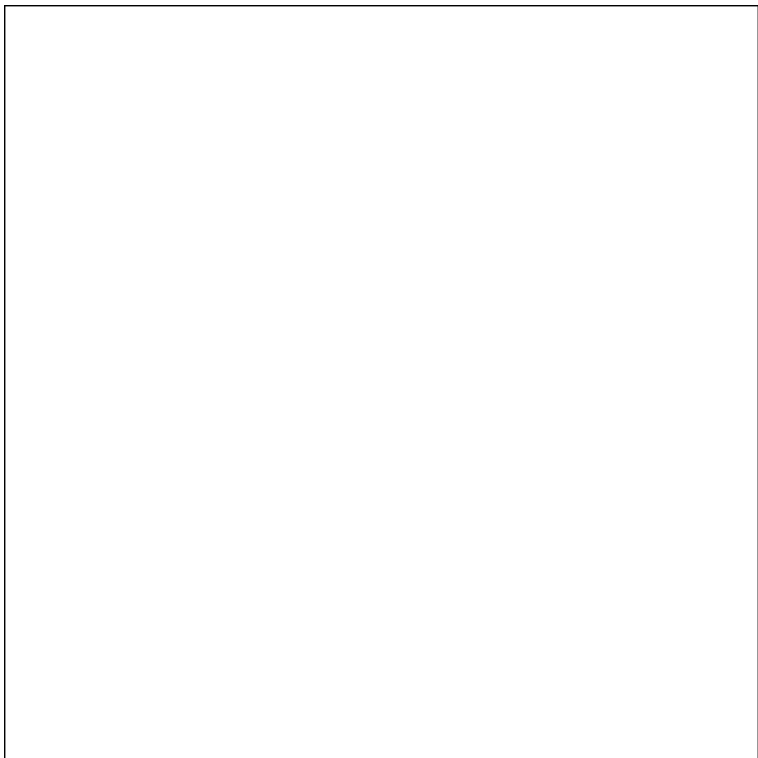
اونچه به نودل سس و نمک اضافه می‌کنن و همش میزنن.



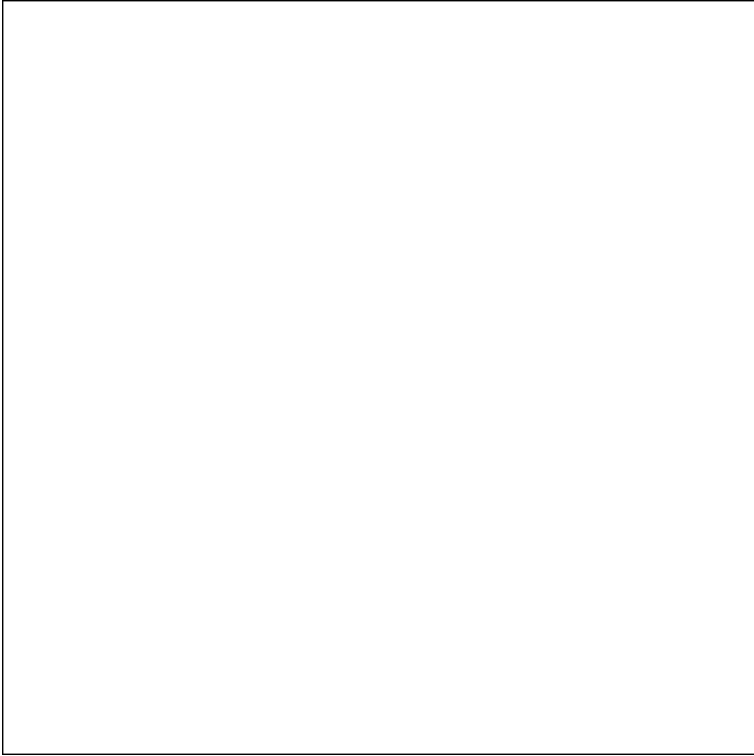
کیپ و دوستش نودل رو میخورن. اون خوشمزه است.



اون آب رو مینوشه.



اونه صورت حساب رو پرداخت می کنند.






# LIDA Stories

[lidastories.net](http://lidastories.net)

بيرون غذا خوردن

 Espen Stranger-Johannessen

 Aakane

 Sam Saf

